

## به نام خداوند بخشنده و مهربان

ریحانه اشرافی      مدرسه ی میلاد یک      کلاس شش چهار      نام کتاب ربات پرستار

پرفسور و کار آموز می خواستند آزمایش و تحقیقات خود رو کامل کنند، کارآموز گفت :ممکنه خطرناک باشد از نظر پرفسور خیلی خطرناک بود چون شیوع آن سریع بود و آن را داخل یک صندوق آزمایش گذاشتند.

### فر دا صبح

صدای ناله، پرفسور را از خواب بیدار کرد، روپوش خود را پوشید، کار آموز جلوی صندوق با در باز ایستاده بود، ویروس گمشده بود امکان داره صندوق رو هک کرده باشن پرفسور دوربین آزمایش گاه رو چک کرد دزد اثر انگشت نداشت اما فقط ربات ها و حیوانات اثر انگشت ندارند پرفسور گفت اره ربات ها و تعداد ربات هایی که داخل انبار بود را چک کرد کم بودند برای همین نگران شد صدای انفجاری پرفسور و کارآموز به طبقه ی بالا کشاند ربات ها در شهر حرکت میکردند و چیزهایی مثل دارو را پخش میکردند باید دنبال یه راه چاره میکشتمند اما جایی امن نبود به پناهگایی که برای موقعیت های فوری ساخته بودند رفتند کارآموز گفت باید اطلاعات کامل داشته باشیم و یکی از ربات ها رو بیرون فرستاد تا تحقیق کند ان دارو که پخش میشد ویروس بود کار آموز گفت پرستارها دلسوزند اما بیشتر مردم مبتلا شدند ما کسی رو میخواهیم که بیمار نشود پرفسور میدانست راه چاره چیست.

### چند روز بعد

بلاخره تکمیل شد آماده ی امتحان بود ربات های پرستار بهترین گزینه بودند، کارآموز ربات ها را بیرون فرستاد، ربات هایی که بیمار نمیشدند و به اندازه ی پرستار ها دلسوز بودند.

### چند هفته بعد

مردم حالشون بهتر میشد و همه مراعات میکردند ماسک میزدند و پروتکل بهداشتی رو رعایت میکردند، در اخر با یاری هم ویروس رو شکست دادند.

### نتیجه

میتوانیم با یاری و رعایت پروتکل بهداشتی مانند مردم ، کارآموز و پرفسور ویروس کوید 19 را شکست بدیم.